

نقدی بر سیاست تقنینی قانون مجازات اسلامی در زمینه سرقت تعزیری

۱۲۱

فقه و حقوق / سال سوم / شماره ۱۱ / زمستان ۱۳۸۵

تاریخ تأیید: ۸۵/۱۱/۲۰

تاریخ دریافت: ۸۵/۹/۳۰

احمد حاجی ده‌آبادی*

چکیده

اهمیت، تنوع و فراوانی موارد وقوع جرم سرقت تعزیری، می‌طلبد که هم در حیطه تقنین و هم در حوزه دادرسی، سیاست تقنینی و قضایی جامعی اتخاذ شود. در مقاله حاضر سیاست تقنینی قانون مجازات اسلامی در این زمینه از زوایای گوناگون همچون دشوار کردن کار قاضی و از بین بردن احساس عدالت در میان عموم مردم به نقد کشیده و راههایی برای برون‌رفت از مشکلات موجود، ارائه می‌شود.

واژگان کلیدی: سرقت حدی، سرقت تعزیری، سیاست تقنینی، احساس و اجرای عدالت، تکرار

جرم و شروع به جرم.

* استادیار پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم (ahmaddehabady@yahoo.com).

مقدمه

سرقت از مهم‌ترین جرائم علیه اموال و مالکیت است. آسان بودن ارتکاب سرقت در مقایسه با جرائم دیگر که نیاز به وسیله خاص و شرایط ویژه‌ای دارند و کثرت وقوع آن به این اهمیت کمک نموده است.

بشر از قدیم‌الایام از زمانی که مفهوم مال و مالکیت را شناخته، با این جرم آشنا شده است. به علاوه، مطالعه تاریخ این نکته را گوشزد می‌کند که «مالکیت» ارزش فراوانی برای بشر داشته و سرقت که راحت‌ترین شیوه تعرض به این ارزش است، با مجازاتهای بسیار سنگینی مواجه بوده، هرچند مال ربوده شده بهای اندکی داشته است.

جرم سرقت، جرمی طبیعی به شمار می‌رود؛ به این معنا که بر خلاف جرائم شرعی همچون ارتداد و شرب مسکر و جرائم قراردادی و اعتباری همچون رانندگی بدون گواهینامه، سرقت مانند قتل و برخی دیگر از جرائم، از جمله جرائم طبیعی است که هر انسان در ذات طبیعت خود، آن را زشت و فاعل آن را مستحق مجازات می‌داند. به همین جهت است که در همه کشورهای و نظامهای حقوقی جهان، فارغ از تعلق خاطر آنها به مذهب و دین خاص، سرقت جرم‌انگاری شده است. علاوه بر اینکه جرم سرقت جرمی طبیعی است، ادیان نیز آن را جرم تلقی کرده‌اند. از جمله شرع مقدس اسلام آن را جرم تلقی کرده و مجازاتهای سنگینی برای آن وضع نموده است.

نظام حقوقی ایران سرقت را جرم تلقی نموده است. گرچه مطالعه سیر قانونگذاری جرم سرقت در حقوق ایران و مقایسه قوانین قبل و پس از انقلاب در این زمینه، حاکی از تحول شگرفی است که در مجازات این جرم رخ داده است. بر خلاف دیگر جرائم علیه اموال و مالکیت همچون کلاهبرداری و خیانت در امانت که تغییر و تحول چندانی در نظام حقوقی ایران به خود ندیده‌اند، جرم سرقت پس از پیروزی انقلاب، تحول اساسی یافته است. این تحول از متابعت حقوق ایران از فقه اسلامی ناشی می‌شود. قانون به تبع فقه سرقت را به دو قسم حدی و تعزیری تقسیم نموده و برای سرقت حدی مجازات سنگین قطع دست در مرتبه اول و قطع پا و حبس ابد و اعدام در مرتبه دوم و سوم و چهارم قائل شده است. در مورد سرقت تعزیری گرچه قانونگذار در برهه‌ای طولانی، مجازات شلاق تا ۷۴ ضربه را مقرر داشته بود، اما از سال ۱۳۷۵ و در فصل ۲۱ کتاب

پنجم قانون مجازات اسلامی، برای سرقت تعزیری انواع و اقسامی مختلف همراه با مجازاتهای متنوع در نظر گرفت. همچنین در کنار تعیین مجازات برای شروع به سرقت و تکرار سرقت، برخی جرائم را که ارتباط با سرقت دارند مطرح کرده است. آنچه در این مقاله بررسی می‌شود، بررسی و نقد سیاست تقنینی قانونگذار مجازات اسلامی در زمینه سرقت تعزیری و جرائم مرتبط با آن است. از آنجا که قانون مجازات اسلامی در آستانه تغییر و تحولات مهمی است، این مقاله با بررسی و نقد سیاست قانونگذار در زمینه سرقت تعزیری، ضمن بیان ایرادها و نقائص این سیاست، می‌تواند راهنمایی برای وضع قوانین صحیح در این زمینه باشد.

بدین منظور ابتدا به سیر قانونی جرم‌انگاری سرقت در حقوق ایران (الف) می‌پردازیم. سپس از وظیفه سخت قاضی در مواجهه با مواد مختلف (ب) بحث می‌کنیم. آن‌گاه پیشنهادی را برای قانونگذاری در سرقت‌های تعزیری (ج) بیان می‌کنیم تا مشکل وظیفه سخت مزبور را از بین ببرد. نقد و بررسی مجازات سرقت تعزیری (د) و نقد اختیارات وسیع قضات (ه) و مشکل رونویسی از قوانین پیش از انقلاب (و) از دیگر مباحث است. سپس از جرم‌انگاری ناقص شروع به سرقت (ز) و نقد جرم‌انگاری تکرار جرم سرقت (ح) بحث می‌کنیم و در نهایت به اشکال جای نادرست مواد (ط) می‌پردازیم.

الف. سیر قانونگذاری

الف-۱. قانون مجازات عمومی ۱۳۰۴ و ۱۳۵۲

نخستین بار مواد ۲۲۲ تا ۲۳۲ قانون مجازات عمومی مصوب ۱۳۰۴ به جرم سرقت اختصاص داشتند و برای آن مجازات‌هایی همچون حبس دائم با اعمال شاقه، حبس با اعمال شاقه سه تا پانزده سال، حبس تأدیبی از دو ماه تا دو سال مقرر شده بود. به علاوه، برخی سرقت‌های خاص به صورت جداگانه جرم‌انگاری شده بود؛ مثل ماده واحده «قانون تشدید مجازات سارقین مسلح که وارد منزل یا مسکن اشخاص می‌شوند» مصوب تیر ماه ۱۳۳۳ و نیز ماده واحده قانون تشدید مجازات سرقت مسلحانه مصوب ۱۳۳۸ ناظر بر سرقت از بانکها، صرافیها، جواهرفروشیها و به طور کلی هر محلی که معمولاً وجوه نقد یا اوراق بهادار یا سایر اشیای قیمتی در آن وجود دارد.

الف - ۲. قانون حدود و قصاص ۱۳۶۱ و قانون تعزیرات ۱۳۶۲

تحولات قانونگذاری پس از انقلاب در زمینه سرقت، ابتدا در این دو قانون نمود پیدا کرد. مواد ۲۱۲ تا ۲۱۸ قانون حدود و قصاص به بحث سرقت حدی اختصاص داشتند و ماده ۱۰۸ قانون تعزیرات مقرر می‌داشت: «هرگاه سرقت جامع شرایط حد نباشد، سارق به شلاق تا ۷۴ ضربه محکوم می‌شود.» شروع به سرقت هم در ماده ۱۰۹ و مداخله در اموال مسروقه در ماده ۱۱۰ قانون تعزیرات پیش‌بینی شده بود و هیچ چیز دیگری در این دو قانون پیرامون سرقت وجود نداشت.

مشکلی که از سال ۱۳۶۲ پیدا شد و تا سال ۱۳۷۵ - که قانون تعزیرات ۱۳۶۲ بازنگری و اصلاح شد - ادامه داشت این بود که آیا سرقت‌های مسلحانه، سرقت از بانکها، سرقت شبانه و دیگر سرقت‌های خاصی که در قوانین قبل از انقلاب پیش‌بینی شده بودند، پس از تصویب قانون حدود و قصاص ۱۳۶۱ و قانون تعزیرات ۱۳۶۲ چه وضعیتی دارند. به این سرقت‌ها در صورتی که جامع شرایط حد نباشند، بر اساس چه قانونی رسیدگی می‌شود؟ قوانین قبل از انقلاب یا ماده ۱۰۸ قانون تعزیرات که تنها شلاق تا ۷۴ ضربه را پیش‌بینی کرده بود؟ آیا سرقت شبانه مسلحانه چند صد میلیون تومانی که جامع شرایط حد نیست با سرقت ساده‌ای همچون کیف‌زنی و جیب‌بری، تا ۷۴ ضربه شلاق تعزیر دارد؟ به همین دلیل برخی محاکم به قوانین پیش از انقلاب در این زمینه عمل می‌نمودند. این وضعیت تا سال ۱۳۷۵ که قانونگذار به جرم‌انگاری پاره‌ای سرقت‌های تعزیری پرداخت، ادامه داشت. البته در مورد امکان رجوع به قانون مجازات عمومی ۱۳۰۴ اختلاف عقیده بود تا اینکه در سال ۱۳۷۷ قانونگذار در ماده ۷۲۹ به نسخ این قانون و اصلاحات و الحاقات بعدی آن تصریح کرد؛ گرچه کماکان این سؤال باقی است که آیا مواد راجع به سرقت در دیگر قوانین از جمله دو ماده واحده یاد شده، اعتبار داشته و دارند یا خیر.

الف - ۳. قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۰

در سال ۱۳۷۰، کمیسیون امور قضایی مجلس، سه مجموعه قانون پیشین را یکجا گرد آورد و با تغییراتی تصویب کرد و نام قانون مجازات اسلامی را بر آن نهاد. این سه قانون عبارت‌اند از: قانون راجع به مجازات اسلامی ۱۳۶۱، قانون حدود و قصاص و مقررات آن

مصوب ۱۳۶۱ و قانون دیات مصوب ۱۳۶۱. باب هشتم از کتاب دوم قانون مجازات اسلامی به حد سرقت اختصاص دارد و از ماده ۱۹۷ آغاز می‌شود و به ماده ۲۰۳ خاتمه می‌یابد. قانونگذار پس از تعریف سرقت و شرایط سرقت حدی و راههای ثبوت سرقت* و شرایط اجرای حد و انواع حد سرقت، در آخرین ماده یعنی ماده ۲۰۳ به نوع خاصی از سرقت تعزیری اشاره کرده است. مطابق این ماده:

سرقتی که فاقد شرایط اجرای حد باشد و موجب اخلال در نظم یا خوف شده یا بیم تجری مرتکب یا دیگران باشد، اگرچه شاکی نداشته یا گذشت نموده باشد موجب حبس تعزیری از یک تا پنج سال خواهد بود.

تبصره - معاونت در سرقت موجب حبس از شش تا سه سال می‌باشد.

در قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۰ هیچ ماده دیگری برای سرقت تعزیری وجود نداشت. شایان ذکر است چون مدت آزمایشی قانون تعزیرات ۱۳۶۲ تمدید نشده بود، علی‌القاعده از زمان پایان مدت آزمایشی، استناد به مواد ۱۰۸، ۱۰۹ و ۱۱۰ قانون فوق برای سرقت تعزیری، شروع به آن و مداخله در اموال مسروقه صحیح نبود؛ گرچه برخی محاکم به علت نقصان قانون جدید به مواد مذکور استناد می‌نمودند.

الف - ۴. کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی، مصوب ۱۳۷۵

در سال ۱۳۷۵، مجلس شورای اسلامی، قانون تعزیرات سال ۱۳۶۲ را مورد بازنگری قرار داد و آن را به دنبال قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۰ آورد؛ به همین جهت اسم آن را «کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی، تعزیرات و مجازاتهای بازدارنده» نهاد و با شماره ماده ۴۹۸ آن را آغاز نمود. فصل ۲۱ کتاب پنجم که از ماده ۶۵۱ آغاز می‌شود و به ماده ۶۶۷ خاتمه می‌یابد، با عنوان «سرقت و ربودن مال غیر» درباره سرقت تعزیری است. این فصل حاوی ۱۷ ماده است و در نتیجه سه ماده قانون تعزیرات سال ۱۳۶۲ به هفده ماده تغییر یافته است. در واقع قانونگذار به خوبی درک کرد که نمی‌توان برای همه سرقتهایی که جامع شرایط حد نیست مجازات یکسانی را در نظر گرفت. به همین جهت برای سرقت تعزیری انواع و اقسامی را برشمرده است. ضمن آنکه برای شروع به سرقتهای خاص و مداخله در اموال مسروقه و نیز جرائمی که با سرقت ارتباط پیدا می‌کنند - مثل ساختن کلید برای

* واژه صحیح راههای اثبات سرقت است.

دزدی - مجازات پیش‌بینی نمود. این کار قانونگذار ضمن آنکه محسناتی داشته و دارد، خالی از نواقص و معایب نیست و می‌طلبد که قانونگذار با دقت و تأمل بیشتری در این زمینه قانونگذاری و قانون‌نگاری کند.

ب. وظیفه سخت قاضی در مواجهه با مواد مختلف

اولین ایرادی که بر سیاست تقنینی قانون مجازات اسلامی در زمینه سرقت تعزیری به چشم می‌خورد، تکرر مواد راجع به سرقت تعزیری بدون وجود هیچ گونه اشاره‌ای به طبقه‌بندی و تقسیم‌بندی مورد نظر قانونگذار است، به گونه‌ای که فهم مراد قانونگذار را با سختی مواجه می‌سازد و در نتیجه برای قاضی، پیدا کردن ماده قانونی منطبق بر سرقت تعزیری واقع شده، کاری بس مشکل است. این دشواری به اندازه‌ای است که باعث شده برخی برای حل مشکل به نسخ پاره‌ای مواد قانونی قائل شوند.

توضیح اینکه قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰ و ۱۳۷۵ حاکم بر کلیه جرائم از جمله سرقت است. همان‌طور که بیان شد، این قانون سرقت را به دو قسم حدی و تعزیری تقسیم نموده و برای سرقت تعزیری نیز انواع و اقسامی را پیش‌بینی کرده است. از یک طرف در ماده ۲۰۳ از کتاب حدود، سرقت فاقد شرایط اجرای حد را موجب حبس تعزیری از یک تا پنج سال دانسته است. از سوی دیگر در کتاب تعزیرات و مجازاتهای بازدارنده، قریب یازده ماده برای سرقتهای تعزیری وضع نموده است.*

مشکلی که در اینجا وجود دارد، نسبت میان این مواد و تقدم و تأخر هر یک است. این مشکل به گونه‌ای جدی است که در بدو امر ممکن است به ذهن خطور کند که برخی از این مواد با هم متعارض‌اند. این تعارض ناشی از مقایسه ماده ۲۰۳ با سایر مواد قانون مجازات اسلامی از جمله ماده ۶۵۱ و ۶۵۶ است. ماده ۲۰۳ که

* این مواد عبارت‌اند از: سرقت اسناد و اوراق و دفاتر دولتی، ماده ۵۴۴؛ سرقت اموال و اشیای تاریخی - فرهنگی از موزه‌ها یا اماکن تاریخی و مذهبی، ماده ۵۵۹؛ سرقت مقرون به همه عوامل مشدد، ماده ۶۵۱؛ سرقت مقرون به یکی از عوامل مشدد، ماده ۶۵۶؛ سرقت مقرون به آزار و یا مسلحانه بودن، ماده ۶۵۲؛ راهزنی، ماده ۶۵۳؛ سرقت گروهی شبانه مسلحانه، ماده ۶۵۴؛ کیف‌زنی و جیب‌بری، ماده ۶۵۷؛ سرقت از مناطق سیل زده، جنگی یا آتش‌سوزی و تصادف رانندگی، ماده ۶۵۸؛ سرقت وسائل تأسیسات عمومی، ماده ۶۵۹ و سرقت ساده، ماده ۶۶۱.

در سال ۱۳۷۰ به تصویب رسیده مقرر می‌دارد:

سرقتی که فاقد شرایط اجرای حد باشد و موجب اخلال در نظم یا خوف شده یا بیم تجری مرتکب یا دیگران باشد - اگرچه شاکی نداشته یا گذشت نموده باشد - موجب حبس تعزیری از یک تا پنج سال خواهد بود.

از سوی دیگر سایر مواد قانون مجازات اسلامی در زمینه سرقه که در سال ۱۳۷۵ به تصویب رسیده‌اند، همانند ماده ۲۰۳ نمونه‌ای از سرقتهای تعزیری‌اند. ماده ۶۵۱ مقرر می‌دارد: «هرگاه سرقه جامع شرایط حد نباشد...» و بر اساس ماده ۶۵۶: «در صورتی که سرقه جامع شرایط حد نباشد» و در بقیه مواد فصل ۲۱ کتاب تعزیرات و مجازاتهای بازدارنده، گرچه قید «جامع شرایط حد نباشد» نیامده است، اما روشن است که این قید در مورد آنها نیز وجود دارد. به تعبیر دیگر آن‌گاه این مواد زمینه اجرا پیدا می‌کنند که سرقه صورت گرفته، حدی نباشد. بنابراین ماده ۲۰۳ برای سرقه تعزیری به طور کلی مجازات حبس از یک تا پنج سال را در نظر گرفته است، در عین حال در مواد ۶۵۱ و ۶۵۶ و دیگر مواد، صحبت از سرقه تعزیری با مجازاتهای متفاوت دیگری است. در نتیجه ظاهراً صدر و ذیل قانون مجازات اسلامی در زمینه سرقه تعزیری متعارض‌اند. بنابراین باید چاره‌ای اندیشید. آیا قانونگذار در قانونگذاری سال ۱۳۷۵ و به هنگام وضع قانون تعزیرات، غافل از آن بوده که در ماده ۲۰۳ در باره سرقه تعزیری، قانونگذاری کرده است؟ آیا این تعارض واقعی است؟

پاسخ این پرسش منفی است، گرچه مشکل بودن وظیفه قاضی و فهم مراد قانونگذار به حال خود باقی است. توضیح اینکه متأسفانه قانونگذار در سال ۱۳۷۵ با اصلاح قانون تعزیرات و تغییر شماره مواد آن از ۱ به ۴۹۸، به اتصال قانونی دائمی به قانونی آزمایشی بسنده کرده و مروری بر سرتاسر قانون مجازات اسلامی از ماده ۱ تا ماده ۷۲۹ نکرده است و در نتیجه مواردی از تناقض صدر و ذیل این مجموعه قانون مشاهده می‌شود.* اما از آنجا که مطابق قاعده اصولی «الجمع مهما امکن اولی من الطرح» در صورت امکان جمع میان ماده ۲۰۳ و بقیه مواد، باید از تعارض و تساقط چشم‌پوشی کرد و در اینجا امکان جمع وجود دارد.

* مثل تعارض ماده ۱۷۵ که برای ساخت، تهیه، خرید و فروش، حمل و عرضه مشروبات الکلی مجازات ۶ ماه تا ۲ سال حبس را پیش‌بینی کرده، با ماده ۷۰۲ که برای خرید و حمل و نگهداری مشروبات الکلی مجازات ۳ تا ۶ ماه و یا تا ۷۴ ضربه شلاق را پیش‌بینی کرده است.

توضیح بیشتر اینکه حقوقدانان در مقام مقایسه ماده ۲۰۳ با بقیه سرقت‌های تعزیری، راهها و مطالب مختلفی را بیان کرده‌اند. برخی تعارض بدوی را مستقر دانسته و به نسخ ماده ۲۰۳ تا جایی که با بقیه مواد معارض است قائل شده‌اند.^{*} بدیهی است این نظر در صورتی صحیح است که نتوان راه جمع معقول و مناسبی را میان این دو دسته مواد پیدا نمود.

برخی استادان در مقام رفع تعارض عقیده دارند وظیفه قاضی در مواجهه با مواد مختلف راجع به جرم سرقت این است که در صورتی که سرقت حدی نباشد، و یک یا چند شرط از شرایط اجرای حد را نداشته باشد، ابتدا باید به بررسی انطباق یا عدم انطباق سرقت‌های خاص (موضوع مواد ۶۵۱، ۶۵۲، ۶۵۴، ۶۵۷ و ...) پرداخت و در صورت عدم انطباق سرقت خاص، باید به شمول و عدم شمول ماده ۲۰۳ پرداخت و در صورت عدم شمول ماده ۲۰۳، عمل مشمول ماده ۶۶۱ - سرقت ساده - است (میر محمد صادقی، ۱۳۸۱: ۳۰۸). در واقع در نظر اخیر، همه مواد فصل ۲۱ به استثنای ماده ۶۶۱، مقدم بر ماده ۲۰۳ هستند و ماده ۲۰۳ مقدم بر ماده ۶۶۱ است.

این راه صحیح به نظر نمی‌رسد. زیرا اولاً اعمال سرقت‌های خاص را منوط به فقدان یک یا چند شرط از شرایط اجرای حد دانسته است. در حالی که این شرط بنا به نص ماده ۲۰۳ مربوط به همین ماده است و در مواد مربوط به سرقت‌های خاص آنچه مشاهده می‌شود جامع شرایط حد نبودن است و میان این دو تعبیر (فاقد شرایط اجرای حد و جامع شرایط حد نبودن) تفاوت است، چنان‌که در ادامه روشن خواهد شد. ثانیاً دلیل این راه و این شیوه چیست؟ ثالثاً به چه علت در صورت عدم انطباق سرقت‌های خاص نوبت به ماده ۲۰۳ می‌رسد و پس از ماده ۲۰۳ نوبت به ماده ۶۶۱، در حالی که مطابق ماده ۶۶۱ در صورتی که سرقت فاقد شرایط مواد قبل (یعنی ماده ۶۵۱ تا ۶۶۰ و به تعبیر دیگر عدم صدق سرقت‌های خاص) باشد، مستوجب مجازات مذکور در ماده ۶۶۱ (و نه ماده ۲۰۳) خواهد بود (شکری و سیروس، همان: ۲۰۹). بنابراین می‌توان گفت این راه قرین به صواب نیست.

* تنظیم کنندگان مجموعه «قانون مجازات اسلامی در نظم حقوقی کنونی» می‌نویسند: «در نهایت به نظر می‌رسد که ماده ۲۰۳ ق.م.ا. تا جایی که با مواد مذکور معارض است منسوخ گشته است. در تأیید این نظر ر.ک: سید علی آزمایش، تقریرات درس حقوق جزای اختصاصی ۲، پلی‌کپی، دانشگاه تهران، ص ۳۶ و ۳۵؛ شکری و سیروس، ۱۳۸۱: ۲۰۹.

راه حل دیگر این است که بگوییم بین ماده ۲۰۳ و مواد فصل ۲۱ قانون مجازات اسلامی رابطه تعدد معنوی برقرار است؛ به این صورت که بگوییم هم ماده ۲۰۳ و هم مواد مختلف فصل مزبور همه در موضوع سرقت تعزیری است. حال در مواردی که بر سرقتی تعزیری از یک سو هم ماده ۲۰۳ و از سوی دیگر یکی از مواد فصل ۲۱ منطبق باشد، بر اساس قاعده تعدد معنوی، شخص به مجازات اشد محکوم می‌گردد.

این راه هم درست به نظر نمی‌رسد. زیرا مطابق این راه، عبارت «فاقد شرایط اجرای حد» در ماده ۲۰۳، لغو است و قانونگذار از آوردن این عبارت، معنای خاصی را در نظر نگرفته است. به تعبیر دیگر، این عبارت و عبارت «جامع شرایط حد نباشد» در مواد دیگر، همه به معنای آن است که سرقت حدی نبوده و تعزیری باشد. این در حالی است که اصل در قانونگذاری، تأسیسی بودن کلمات قانون است.

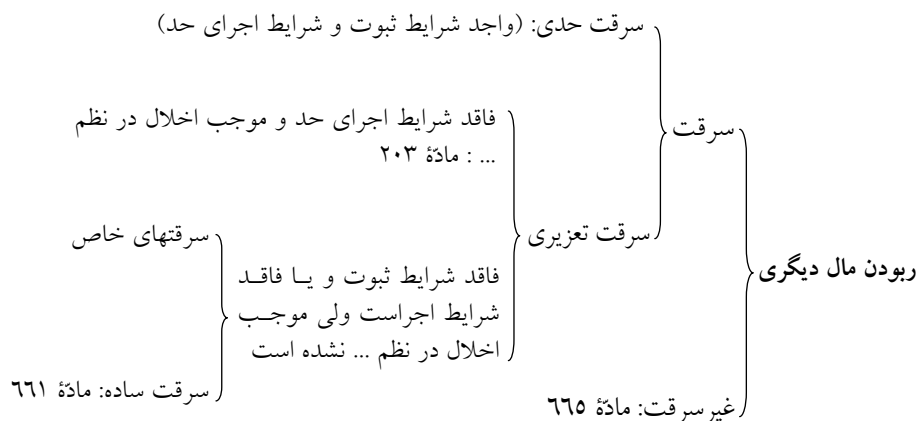
اشکال دیگر این است که این راه سر از راه حل قبلی در می‌آورد. زیرا بر اساس قاعده تعدد معنوی و به علت اشد بودن مجازات مقرر در مواد ۶۵۱، ۶۵۲، ۶۵۳، ۶۵۴، این مواد مقدم بر ماده ۲۰۳ هستند. از سوی دیگر ماده ۶۵۹ نیز مقدم بر ماده ۲۰۳ است، زیرا نص در موضوع خاصی است، ضمن آنکه مجازات آن نیز با ماده ۲۰۳ یکسان است. ماده ۶۵۶ نیز مقدم بر ماده ۲۰۳ است، زیرا در موضوع خاصی تنظیم گشته است. نهایتاً ماده ۶۶۱ می‌ماند که مجازات مقرر در آن سه ماه و یک روز تا دو سال حبس و تا ۷۴ ضربه شلاق است. حال اگر گفته شود مجازات این ماده ولو آنکه شامل حبس و شلاق است اما کمتر از مجازات ماده ۲۰۳ است و بر اساس قاعده تعدد معنوی، ماده ۲۰۳ مقدم بر آن است، نتیجه آن می‌شود که سرقت‌های خاص (موضوع مواد ۶۵۱...) مقدم بر ماده ۲۰۳ و ماده ۲۰۳ مقدم بر ماده ۶۶۱ شده است و این همان راه حل قبلی است که پیش‌تر آن را نپذیرفتیم.

به نظر می‌رسد جمع میان مواد مختلف قانون مجازات اسلامی در مورد سرقت و ربودن مال غیر این است که چنین بگوییم:

ربودن مال غیر یا به آن سرقت گفته می‌شود و یا نمی‌شود. در صورتی که عنوان سرقت به آن اطلاق شود، یا سرقت حدی است و یا تعزیری. سرقت در صورتی حدی است و مجازات خاص دارد که هم شرایط ثبوت حد و هم شرایط اجرای حد را داشته باشد. شرایط ثبوت حد در ماده ۱۹۸ ق.ا.م.ا. و شرایط اجرای آن در ماده ۲۰۰ آمده است.

در صورتی که سرقتی شرایط ثبوت یا اجرای حد را نداشته باشد، ممکن است* سرقت تعزیری به شمار رود.

سرقت تعزیری بر دو قسم است: قسم اول آنکه شرایط ثبوت حد را دارد، ولی شرایط اجرای حد را ندارد و در عین حال موجب اخلال در نظم یا خوف شده یا بیم تجری مرتکب یا دیگران می‌رود. قسم دوم آنکه شرایط ثبوت حد را ندارد و یا اگر شرایط ثبوت را دارد، شرایط اجرا را ندارد، ولی موجب اخلال در نظم یا خوف نشده یا بیم تجری مرتکب یا دیگران نمی‌رود. قسم اول بر اساس ماده ۲۰۳ ق.م.ا. مجازات می‌شود. قسم دوم خود بر دو قسم است: یا از زمره سرقت‌های خاص است که در قانون آمده و یا این‌گونه نیست و به تعبیری سرقت ساده است. سرقت‌های خاص بر اساس قوانین مربوط به آن رسیدگی می‌شود و سرقت ساده بر اساس ماده ۶۶۱ ق.م.ا. رسیدگی می‌شود. نمودار این طبقه‌بندی به شرح ذیل است:



بنابراین تعارضی میان ماده ۲۰۳ و سایر مواد وجود ندارد. به تعبیر دیگر، گرچه سرقت موضوع مواد ۶۵۱ به بعد با سرقت موضوع ماده ۲۰۳ ممکن است در این نکته که موجب اخلال در نظم یا خوف شده مشترک باشند، اما سرقت ماده ۲۰۳ فاقد شرایط اجرای حد و

* اینکه می‌گوییم «ممکن است» بدین علت است که در شرایط ثبوتی سرقت حدی اموری ذکر شده است که فقدان آنها عمل را به طور کلی از عنوان «سرقت» خارج می‌کند و هیچ‌گونه مجازاتی ندارد، مثل بند ۲ و ۳ و ۵ ماده ۱۹۸ ق.م.ا.

واجد شرایط ثبوت حد است، ولی سرقت سایر مواد، فاقد شرایط ثبوت حد است، مثل اینکه از حرز نبوده یا مخفیانه نبوده یا به اندازه نصاب و ... نبوده است و یا اگر واجد شرایط ثبوت حد و فاقد شرایط اجراست، موجب اخلال در نظم نشده است. به هر حال چون تعارض، خلاف اصل است و باید تا جایی که می‌توان به مواد قانون عمل نمود، راه حل فوق که مبتنی بر تفسیر ادبی مواد قانون است، بهترین راه به نظر می‌رسد. گرچه باید اذعان داشت وظیفه قاصی در بررسی پرونده و تشخیص اینکه سرقت، واجد و یا فاقد شرایط ثبوت یا شرایط اجراست بسیار مشکل است و قانون مجازات اسلامی از این جهت نیاز به اصلاح جدی دارد.

ج. پیشنهادی برای قانونگذاری در سرقت‌های تعزیری

این امر بدیهی به نظر می‌رسد که اگر کسی مواد قانون مجازات اسلامی در مورد سرقت‌های تعزیری را بررسی کند با سردرگمی مواجه می‌شود. تصور کنید سرقتی رخ داده که حدی نیست و قاضی می‌خواهد ماده مناسب را پیدا کند تا بر اساس آن سارق را مجازات کند. او مواد ۲۰۳، ۵۴۴، ۵۵۹، ۶۵۱، ۶۵۲، ۶۵۳، ۶۵۴، ۶۵۵، ۶۵۶، ۶۵۷، ۶۵۸، ۶۵۹، ۶۶۱ را پیش رو دارد. او چگونه می‌تواند در زمان کم و با دقت بالا، ماده مناسب را پیدا کند؟ در عصری که با انفجار قوانین رو به رو هستیم، امنیت قضایی می‌طلبد که قانونگذاری به روشی صورت گیرد که اطلاع از مواد قانون سریع و آسان و با ضریب بالای دقت صورت پذیرد. تکثیر مواد قانونی مادام که مصلحتی آن را ایجاب نکند، باعث می‌شود مجرم به مجازات مقرر نرسد و سیاست‌هایی که در زمان قانونگذاری مد نظر بوده است، اعمال نگردد. از جمله موارد هم همین مواد متعدد راجع به سرقت تعزیری است. این در حالی است که می‌توان این تعداد مواد را یکجا به گونه‌ای جمع کرد که نه حقوق سارق پایمال شود و به او اجحاف شود و نه او از مجازات قانونی مناسب فرار کند.

ما این مواد را ابتدا ردیف می‌کنیم و بعد پیشنهاد خود را ارائه می‌دهیم.

ماده ۲۰۳؛ سرقت فاقد شرایط اجرای حد؛ ۱ تا ۵ سال حبس.

ماده ۵۴۴؛ ربودن اسناد و اوراق و دفاتر دولتی؛ ۶ ماه تا ۲ سال حبس.

ماده ۵۵۹؛ سرقت اشیا و اموال تاریخی - فرهنگی از موزه‌ها و یا اماکن تاریخی و

مذهبی؛ ۱ تا ۵ سال حبس.

ماده ۶۵۱؛ سرقت مقرون به همه عوامل مشدد؛ ۵ تا ۲۰ سال حبس و تا ۷۴ ضربه شلاق.
 ماده ۶۵۲؛ سرقت مقرون به آزار و یا مسلحانه بودن؛ ۳ ماه تا ۱۰ سال حبس و شلاق تا ۷۴ ضربه.
 ماده ۶۵۳؛ راهزنی؛ ۳ تا ۱۵ سال حبس و شلاق تا ۷۴ ضربه.
 ماده ۶۵۴؛ سرقت مسلحانه گروهی شبانه؛ ۵ تا ۱۵ سال حبس و شلاق تا ۷۴ ضربه.
 ماده ۶۵۶؛ سرقت مقرون به یکی از عوامل مشدد؛ ۶ ماه تا ۳ سال حبس و شلاق تا ۷۴ ضربه.
 ماده ۶۵۷؛ کیف‌زنی و جیب‌بری؛ ۱ تا ۵ سال حبس و شلاق تا ۷۴ ضربه.
 ماده ۶۵۸؛ سرقت در مناطق سیل‌زده و زلزله‌زده؛ ۱ تا ۵ سال حبس و شلاق ۷۴ ضربه.
 ماده ۶۵۹؛ سرقت وسایل تأسیسات عمومی؛ ۱ تا ۵ سال حبس.

ماده ۶۶۱؛ سرقت ساده؛ ۳ ماه و یک روز تا ۲ سال حبس و شلاق تا ۷۴ ضربه.

به فرض که تمام این مواد درست باشد و بحث و انتقادی پیرامون محتوای آنها نباشد، می‌توان به شکلی مناسب و دقیق - آن‌گونه که بیان می‌کنیم - قانون‌نگاری کرد. توضیح اینکه هرگاه در این مواد متعدد دقت کنیم، می‌بینیم که کمترین مجازات برای سرقت ساده است که ۳ ماه و یک روز تا ۲ سال حبس و تا ۷۴ ضربه شلاق است. قانونگذار مجازات سرقت را به موجب پنج عامل تشدید کرده است:

الف. تشدید به اعتبار موضوع سرقت:

۱. اسناد و اوراق و دفاتر دولتی

۲. اشیا و اموال تاریخی - فرهنگی

۳. وسایل تأسیسات عمومی

ب. تشدید به اعتبار محل سرقت:

۱. مسکونی و عمومی

۲. محرز شده

۳. حادثه دیده

۴. شوارع و راهها

۵. اماکن دولتی و یا زیر نظر دولت

ج. تشدید به اعتبار زمان سرقت شب (شبانه)

د. تشدید به اعتبار وسیله مورد استفاده:

۱. آزار و مسلحانه بودن
 ۲. پوشیدن لباس مستخدم دولتی
 ۳. استفاده خلاف حقیقت از عنوان دولتی
- ه. تشدید به اعتبار سارق:

۱. دو نفر یا بیشتر
۲. داشتن رابطه استخدامی با مسروق منه
۳. در اختیار داشتن اموال به اقتضای شغل

قانونگذار می‌توانست پس از بیان سرقت ساده و مجازات آن بگوید: «در موارد زیر مجازات سرقت تعزیری تشدید می‌شود» و آن‌گاه تمام این پنج مورد بالا را ذکر کند و سپس در سه تبصره با کمی تغییر در مجازات چنین بنگارد:

- «تبصره ۱. هرگاه سرقت مقرون به حداقل پنج مورد از عوامل مشدد باشد، سارق از ۵ تا ۲۰ سال حبس و شلاق تا ۷۴ محکوم می‌شود.
- تبصره ۲. هرگاه سرقت مقرون به سه یا چهار عامل مشدد باشد، سارق به حبس از ۵ تا ۱۵ سال و شلاق تا ۷۴ محکوم می‌شود.
- تبصره ۳. هرگاه سرقت مقرون به یک یا دو عامل مشدد باشد، به حبس تا ۵ سال و شلاق تا ۷۴ محکوم می‌شود.»

البته به علت فراوانی وقوع کیفری و جیب‌زنی وضع یک ماده جداگانه برای آن، بدون اشکال است.

د. بررسی و نقد مجازات سرقت تعزیری

در بررسی مجازات‌هایی که قانونگذار برای سرقت تعزیری مقرر داشته است، چند اشکال به ذهن خطور می‌کند.

اشکال اول مربوط به ماده ۶۵۲ است. مطابق این ماده:

هرگاه سرقت مقرون به آزار باشد و یا سارق مسلح باشد، به حبس از سه ماه تا ده سال و شلاق تا ۷۴ ضربه محکوم می‌شود و اگر جرحی نیز واقع شده باشد، علاوه بر مجازات جرح به حداکثر مجازات مذکور در این ماده محکوم می‌گردد.

اولاً: حبس سه ماه تا ده سال چگونه قابل پذیرش است؟ اگر این عمل قبیح چندانی ندارد و یا آثار سوء ندارد چگونه است که می‌توان تا ده سال برای آن حبس قرار داد؟

و اگر به علت آزار و مسلحانه بودن، آثار نامطلوب زیادی برای بزه‌دیدگان به طور خاص و جامعه به طور عام دارد، مجازات سه ماه چگونه توجیه‌پذیر است؟ این اشکال در مورد برخی دیگر از مواد فصل ۲۱ نیز قابل طرح است.

ثانیاً: با توجه به اطلاق ماده، وجود اندک جرحی باعث محکومیت سارق به اشد مجازات یعنی ده سال حبس و ۷۴ ضربه شلاق می‌شود. در حالی که لازم است قانونگذار مطلق جروح را موجب چنین امری ندارد و برای جراحتهای سنگین چنین ویژگی‌ای را در نظر بگیرد.

اشکال دوم مربوط به مجازات مقرر در کل مواد راجع به سرقت تعزیری است. توضیح اینکه لزوم رعایت تناسب جرم با مجازات می‌طلبد که نوع مجازات بسته به نوع جرم باشد. در جرائم علیه اموال و مالکیت که مجرم به دنبال افزودن دارایی خویش از راه نامشروع است، بهتر است مجازات این نوع جرائم هم کاهش دارایی مجرم باشد تا انگیزه ارتکاب جرم در او از بین برود.* به تعبیر دیگر یکی از بهترین مجازاتها در این نوع جرائم، جریمه نقدی است. متأسفانه در کل سرقتهای تعزیری مقرر در قانون مجازات اسلامی که نوع و میزان مجازات آنها را شارع معین نکرده است، قانونگذار از حبس و شلاق استفاده کرده و ابداً صحبتی از جریمه نقدی نکرده است. در حالی که برای برخی جرائم غیرمالی (مثل جرم تغییر در دستگاه ثبت سرعت وسیله نقلیه موضوع ماده ۷۲۴) از جریمه نقدی استفاده کرده است.

گفتنی است که ما نمی‌گوییم قانونگذار صرفاً جریمه نقدی را برای سرقت تعزیری مقرر دارد تا اشکال شود در صورتی که سارق فقیر باشد برای پرداخت جریمه نقدی مجبور به ارتکاب دوباره سرقت است، بلکه می‌گوییم چرا قانونگذار در کنار حبس، از جریمه نقدی استفاده نکرده است. آیا قانونگذار نمی‌توانست مانند ماده ۷۰۳ که برای ساخت و فروش و ... مشروبات الکلی سه ماه تا یک سال حبس و تا ۷۴ ضربه شلاق و از یک میلیون و پانصد هزار تا شش میلیون ریال جزای نقدی یا یک یا دو مورد از این مجازاتها را مقرر داشته است در مورد سرقتهای تعزیری نیز چنین کند؟

* در فقه اسلامی به نمونه‌های فراوانی از رعایت این نکته بر می‌خوریم. مثلاً کسی که مورث خود را برای رسیدن به اموالش کشته است از ارث محروم است؛ زناکار که با بدن خود لذت برده است شلاق می‌خورد یا حضرت علی علیه السلام مردی را که با دستش استمنا کرده بود، آن‌قدر بر دستش زدند تا کبود شد و ...

ه اختیارات وسیع قضات، عامل عدم احساس عدالت

از جمله انتقاداتی که به مجموعه قانون مجازات اسلامی در زمینه تعزیرات به طور عام و در سرقت تعزیری به طور خاص وارد است این است که در برخی مواد اختیارات وسیعی را برای قضات در زمینه تعیین مقدار مجازات در نظر گرفته است و این در عمل باعث صدور آرای می‌شود که احساس عدالت را در میان عموم خدشه‌دار می‌کند و آن را از بین می‌برد.

یکی از این مواد، ماده ۶۵۲ است که برای سرقت مقرون به آزار و یا مسلحانه بودن سارق، حبس از سه ماه تا ده سال و شلاق تا ۷۴ ضربه پیش‌بینی کرده است. در نظر بگیرید دو نفر مرتکب این جرم شده‌اند و در دو دادگاه محاکمه شوند. یک قاضی به استناد اختیاری که دارد مجازات سه ماه و یکی دو ضربه شلاق را تعیین کند و قاضی دیگر به استناد همین ماده، حداکثر مجازات یعنی ده سال حبس و ۷۴ ضربه شلاق را برای سارق پیش‌بینی کند. حال قضاوت عموم که از حقوق و فضا بی‌خبرند درباره این دو حکم چگونه است؟ آیا قاضی را به تبانی و گرفتن رشوه و ... متهم نمی‌کنند؟ به خصوص اگر این دو حکم توسط یک قاضی صادر شده باشد؟ هر چند قاضی هنگام صدور حکم دوم از حکم قبلی خبر نداشته و در نتیجه ناخواسته در یک موضوع، دو حکم مختلف صادر کرده است. به هر حال چنین احکامی قانوناً صحیح‌اند، گرچه برداشت عمومی خلاف آن است.

این مشکل در ماده ۶۵۵ نیز وجود دارد. قانونگذار برای شروع به سرقت‌های مواد قبلی یعنی ۶۵۱ الی ۶۵۴ مجازات تا ۵ سال حبس و شلاق تا ۷۴ ضربه را مقرر داشته است. ماده ۶۵۵ نسبت به ماده ۶۵۲ و ۶۵۳ مشکل‌ساز است. دو نفر را در نظر بگیرید که یکی مرتکب اصل جرم ماده ۶۵۲ شده و دیگری مرتکب شروع به سرقت این ماده شده است. دادگاه شخص اول برای جرم تام حداقل مجازات ماده ۶۵۲ را یعنی سه ماه حبس و یک ضربه شلاق و دادگاه شخص دوم برای او حداکثر مجازات شروع به سرقت را یعنی ۵ سال و ۷۴ ضربه شلاق تعیین نماید. نیز یک یا دو دادگاه برای راهزنی به استناد ماده ۶۵۳ حداقل مجازات را یعنی سه سال و چند ضربه شلاق و دادگاه دیگر برای شروع به راهزنی به استناد ماده ۶۵۵ حداکثر مجازات را یعنی پنج سال حبس و ۷۴ ضربه شلاق مقرر دارد. همه این احکام مطابق قانون‌اند، صحیح‌اند و هیچ کس نمی‌تواند قاضی را مورد بازخواست قرار

دهد که چرا چنین حکمی داده است، زیرا همه ناشی از اختیار قاضی است. اما به راستی احساس عموم مردم در ملاحظه چنین احکامی چیست؟ آیا عموم وقتی اطلاع یابند که برای شروع به سرقت خاصی مجازاتی به مراتب سنگین‌تر از اصل ارتکاب آن سرقت خاص مقرر شده است، احساس عدالت می‌کنند و به دستگاه قضایی اعتماد می‌ورزند؟ آری، اگر قانونگذار در ماده ۶۵۵ و چنین مقرر می‌داشت که: «مجازات شروع به سرقت‌های مذکور در مواد قبل، حداقل مجازات مقرر در هر ماده است»، شبیه کاری که در ماده ۷۲۶ نسبت به معاونت در جرائم تعزیری کرده است، هیچ‌گاه احساس عدالت خدشه‌دار نمی‌شد.

و. رونویسی از قوانین پیش از انقلاب

بسیاری از انتقادات وارد بر این مواد، به این نکته بر می‌گردد که قانونگذار جدید، به رونویسی از قوانین قبلی اکتفا کرده و ابتکار عمل را از دست داده است. قانونگذار برای فرار از مشکلی که در سال ۱۳۶۲ ایجاد کرده بود و برای همه سرقت‌های تعزیری شلاق تا ۷۴ ضربه را پیش‌بینی کرده بود، مواد قوانین قبل از انقلاب را آورده و به تغییرات اندکی در میزان مجازات بسنده کرده است. در حالی که هنر قانونگذاری این است که معایب قوانین قبلی را برطرف ساخته و بر اساس وضعیت و نیازهای فعلی قانونگذاری کند. اینک برای اثبات این مدعا موادی از قانون مجازات عمومی ۱۳۰۴ را نقل می‌کنیم و قضاوت را به عهده خوانندگان محترم می‌گذاریم.

ماده ۲۲۲. هرگاه سرقت جامع تمام شرایط مقرر در شرع نبوده ولی مقرون به تمام پنج شرط ذیل باشد، جزای مرتکب حبس دائم با اعمال شاقه است:

۱. سرقت در شب واقع شده.
۲. سارقین دو نفر یا بیشتر باشند.
۳. یک یا چند نفر از آنها حامل سلاح ظاهر یا مخفی باشد.
۴. از دیوار بالا رفته یا حرز را شکسته یا کلید ساختگی به کار برده یا اینکه عنوان یا لباس مستخدم دولت را اختیار کرده یا بر خلاف حقیقت خود را مأمور دولتی قلمداد کرده و یا در جایی که محل سکنی یا مهیا برای سکنی یا توابع آن است سرقت کرده باشد.
۵. در ضمن سرقت کسی را آزار یا تهدید کرده باشد.

ماده ۲۲۳. هرگاه سرقت مقرون به آزار یا تهدید باشد، مرتکب به حبس با اعمال شاقه از سه الی پانزده سال محکوم خواهد شد و اگر جرحی نیز واقع شده باشد به حداکثر مجازات مزبور محکوم می‌شود.

ماده ۲۲۵. هرگاه سرقت در شب واقع شده و سارقین دو نفر یا بیشتر بوده و لااقل یک نفر از آنها حامل سلاح ظاهر یا مخفی باشد، جزای مرتکب حبس با اعمال شاقه از سه تا پانزده سال است.

ماده ۲۲۶. در صورتی که سرقت مقرون به یکی از شرایط ذیل باشد، مرتکب به حبس تأدیبی از شش ماه تا سه سال محکوم خواهد شد.

۱. سرقت در جایی که محل سکنی یا مهیا برای سکنی است یا در توابع آن یا در محلهای

عمومی از قبیل مسجد و حمام و غیره واقع شده باشد.

۲. سرقت در جایی واقع شده باشد که به واسطه درخت یا بوته یا پرچین یا نرده محرز

بوده و سارق حرز را شکسته باشد.

۳. در صورتی که سرقت در شب واقع شده باشد.

۴. هرگاه سارقین دو نفر یا بیشتر باشند.

۵. هرگاه سارق یک نفر بوده، ولی حامل سلاح ظاهر یا مخفی باشد.

۶. هرگاه سارق مستخدم بوده و مال مخدوم خود را دزدیده یا مال دیگری را در منزل

مخدوم خود یا منزل دیگری که به اتفاق مخدوم خود به آنجا رفته یا شاگرد یا کارگر

بوده و در خانه یا دکان استاد یا در محلی که عادتاً آنجا کار می‌کرده سرقت نموده.

۷. هرگاه سارق کاروانسرادار یا مهمانخانه‌چی یا مکاری یا سورچی و کلیتاً هر کسی که

حرفه او حمل و نقل اشیاء است به هر وسیله که باشد یا اتباع او بوده و تمام یا قسمتی

از اموالی را که به مناسبت شغل او سپرده او بوده سرقت نموده باشد.

ماده ۲۲۷. در سایر موارد که سرقت مقرون به شرایط مذکور نباشد، جزای مرتکب

حبس تأدیبی از دو ماه تا دو سال خواهد بود.

اینک مواد فوق را با مواد ۶۵۱، ۶۵۲، ۶۵۴، ۶۵۶ و ۶۶۱ ق.م.ا. به ترتیب مقایسه کنید تا

صحت این ادعا روشن شود.

ز. جرم‌انگاری ناقص شروع به سرقت تعزیری

گرچه قانونگذار در فصل ۲۱، اقسام مختلفی را برای سرقت تعزیری بر شمرده است،

اما تنها شروع به چهار قسم سرقت تعزیری را جرم و قابل مجازات دانسته است. مطابق

ماده ۶۵۵، شروع به سرقت مواد ۶۶۱، ۶۶۲، ۶۶۳ و ۶۶۴ جرم است و شروع به سایر سرقتها جرم نیست. این معنا در رأی وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور به شماره ۶۳۵ - ۱۳۷۸/۴/۸ مورد تأکید قرار گرفته است. اشکالی که اینجا مطرح است این است که چرا سایر شروع به سرقت‌های تعزیری جرم‌انگاری نشده‌اند، مثل شروع به سرقت توأم با یکی از علل مشدده ماده ۶۵۶، شروع به کیف‌زنی و جیب‌بری ماده ۶۵۷، شروع به سرقت از مناطق حادثه دیده موضوع ماده ۶۵۸ و شروع به سرقت وسائل تأسیسات عمومی موضوع ماده ۶۵۹. گرچه این مواد نسبت به چهار ماده ۶۶۱ تا ۶۶۴ آثار سوء و اختلال نظم و آسایش کمتری دارند، اما به هر حال جرائم خطرناکی به شمار می‌روند و جا داشت که شروع به آنها جرم تلقی شود؛ به خصوص اینکه اگر بر شروع به آنها عنوان مجرمانه مستقلی مترتب نباشد، مرتکب، مطابق مقررات فعلی هیچ گونه مجازاتی نخواهد شد.

جالب اینجاست که قانونگذار گاه شروع به جرائمی را جرم‌انگاری کرده است که مجازات اصل آن جرم، از مجازات سرقت‌های تعزیری ماده ۶۵۶ به بعد کمتر است. مثلاً مجازات شروع به جعل گواهی پزشکی برای معافیت از خدمت دولت یا نظام وظیفه موضوع ماده ۵۳۸، شش ماه حبس یا سه میلیون ریال جزای نقدی بر اساس ماده ۵۴۲ خواهد بود. اصل این جرم (ماده ۵۳۸) حبس از شش ماه تا یک سال یا سه تا شش میلیون ریال جزای نقدی است. این در حالی است که سرقت موضوع مواد ۶۵۶، ۶۵۷، ۶۵۸، ۶۵۹ علاوه بر ۷۴ ضربه برای سه ماده اول، به ترتیب موجب حبس از ۶ ماه تا ۳ سال برای ماده ۶۵۶ و حبس از ۱ سال تا ۵ سال برای سه ماده بعد است.

ح. نقد جرم‌انگاری تکرار جرم سرقت

قانونگذار در ماده ۶۶۶ مقرر داشته است:

در صورت تکرار جرم سرقت، مجازات سارق حسب مورد حداکثر مجازات مقرر در قانون خواهد بود.

تبصره. در تکرار جرم سرقت در صورتی که سارق سه فقره محکومیت قطعی به اتهام سرقت داشته باشد، دادگاه نمی‌تواند از جهات مخففه در تعیین مجازات استفاده نماید.

قانونگذار در این ماده، اختیاری بودن تشدید مجازات در مورد تکرار جرم را که در ماده

۴۸ مقرر داشته است، به اجباری بودن تشدید مجازات تبدیل نموده است.

در نقد این ماده چند نکته باید گفت:

۱. چرا قانونگذار در مورد تعدد جرم سکوت کرده و قاعده اختیاری بودن تشدید مجازات را به اجباری بودن آن تبدیل نکرده است؟ به هر حال با توجه به کثرت موارد سرقت و اینکه گاه سارقی پس از ارتکاب سرقتها مختلف دستگیر می‌شود، جا داشت که در مورد تعدد سرقت نیز قانونگذار همانند تکرار عمل می‌نمود.

۲. قانونگذار در برخی سرقتها تعزیری در وضعیت خاص حداکثر مجازات را مقرر داشته است. مثلاً در ماده ۶۵۲ در مورد سرقت مقرون به آزار و یا مسلحانه بودن سارق در صورتی که جرحی واقعی شود، سارق به حداکثر مجازات یعنی ۱۰ سال حبس و ۷۴ ضربه شلاق محکوم می‌شود. نیز در ماده ۶۵۹ در مورد سرقت وسایل و متعلقات مربوط به تأسیسات عمومی در صورتی که مرتکب از کارکنان سازمانهای مورد دستبرد باشد به حداکثر مجازات یعنی ۵ سال حبس محکوم می‌شود، حال سؤال این است که در صورت تکرار سرقت در این دو ماده چه باید کرد. در واقع تکرار سرقت در این دو مورد نتوانسته است تشدید مجازاتی را نسبت به حالت عدم تکرار ایجاد نماید (دهقان، ۱۳۷۹: ۲۴۳).

۳. موضوع عدم احساس عدالت از دیگر مشکلات این ماده است. زیرا مطابق این ماده تشدید مجازات در مورد تکرار سرقت از حداکثر مجازات قانونی فراتر نمی‌رود. این در حالی است که قاضی می‌تواند حداکثر مجازات را بنا به اختیاری که مواد قانون به او داده است، در مورد شخصی که برای بار اول مرتکب سرقت تعزیری شده است اعمال نماید. بنابراین جا داشت قانونگذار برای تکرار سرقت مجازات بیشتری را مقرر نماید. مثلاً حداکثر مجازات قانونی به علاوه یک پنجم یا نسبت دیگری از حداکثر مجازات بنا به صلاحدید قانونگذار، در مورد تکرار کننده سرقت اعمال شود.

۴. عدول قانونگذار از ضابطه تکرار جرم در ماده ۴۸ از دیگر اشکالات این ماده است. توضیح اینکه پیش از انقلاب، مرز میان تکرار و تعدد جرم محکومیت قطعی بود؛ به این معنا که اگر شخصی برای جرائم قبلی محکومیت قطعی یافته بود و دوباره مرتکب جرم می‌شد، مقررات تکرار شامل حال او می‌شد و در صورتی که محکومیت قطعی برای جرائم قبلی نداشت و دوباره مرتکب جرم می‌شد، مقررات تعدد جرم شامل حال او می‌گشت. حقوقدانان، پس از انقلاب در مورد مرز میان تکرار و تعدد اختلاف عقیده دارند. عده‌ای

معتقدند کماکان ضابطه قبل از انقلاب وجود دارد (اردبیلی، ۱۳۸۰: ۲۳۴)، اما در مقابل به نظر می‌رسد ضابطه قبل از انقلاب از بین رفته است و قانونگذار مرز میان تعدد و تکرار را اجرای مجازات گذاشته است، چنان‌که ماده ۴۸ مقرر می‌دارد: «هر کس ... محکوم شود چنانچه بعد از اجرای حکم مجدداً مرتکب جرم قابل تعزیر گردد ...».

گرچه طرفداران نظر اول معتقدند با توجه به تبصره ماده ۴۸ که صحبت از «محکومیت‌های سابق» است، واژه «اجرای حکم» در متن ماده ۴۸ خصوصیت ندارد و آنچه اهمیت دارد «محکومیت» است، اما به نظر می‌رسد این نظر صحیح نباشد. زیرا اولاً قانونگذار پس از انقلاب در حالی که از ماده ۲۴ و ۲۵ قانون مجازات عمومی ۱۳۵۲ و معیار آن در مورد تکرار جرم اطلاع داشته، هم در قانون راجع به مجازات اسلامی ۱۳۶۱ و هم در قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۰ از «اجرای حکم» سخن به میان رانده است و قوانین قبلی را حفظ نکرده و با توجه تغییر داده است.

ثانیاً قانونگذار از فقه الهام گرفته که میان اجرا و عدم اجرای مجازات تفاوت می‌گذارد. در فقه ارتکاب چند بار زنا مثلاً موجب یک حد است، اما ارتکاب زنا پس از اجرای سه بار مجازات، موجب اعدام در بار چهارم است. بنابراین قانونگذار «به اجرای مجازات» عنایت دارد. ثالثاً در نقد استدلال گروه اول همان‌طور که می‌شود تبصره ماده ۴۸ را ناظر به ماده ۴۸ گرفت و گفت مراد از اجرای حکم، محکومیت قطعی است، می‌توان متن ماده ۴۸ را ناظر به تبصره دانست و چنین گفت که مراد از «محکومیت» در تبصره ماده ۴۸، محکومیت اجرا شده است. احتمال دوم یعنی اینکه تبصره را به وسیله ماده ۴۸ معنا کنیم قوی‌تر است، زیرا وقتی متن ماده ۴۸ تمام شود، کلام قانونگذار منعقد شده و ظهور کلام او حجت است و در نتیجه متن ماده ۴۸ بر اجرای احکام تأکید می‌ورزد. اگر این احتمال قوی نباشد، لااقل با احتمال دیگر که تبصره ناظر به متن ماده باشد و مراد از «اجرای حکم»، محکومیت قطعی است، در یک سطح است نه اینکه احتمال اخیر، مقدم بر احتمال مد نظر ما باشد.

حال که روشن شد معیار تکرار جرم، اجرای مجازات برای جرائم سابق است، در ماده ۶۶۶ این معیار ظاهراً رعایت نشده است، چراکه تبصره ماده ۶۶۶، ظهور در این معنا دارد که معیار تکرار، صرف محکومیت قطعی است نه محکومیت اجرا شده، مگر اینکه بگوییم مراد قانونگذار، محکومیت قطعی اجرا شده است.

برخی ضمن پذیرش اینکه در تکرار جرم، ملاک اجرای مجازات است، در توجیه کار قانونگذار در ماده ۶۶۶ نوشته‌اند:

قانونگذار سال ۱۳۷۵ در خصوص سرقت با نظر تشدید بیشتر، از تئوری اول تبعیت کرده و مجرد قطعیت حکم را برای اجرای قاعده تکرار جرم کافی دانسته است (دهقان، همان: ۲۴۱).

در نقد این سخن می‌توان گفت: مطابق ماده ۴۷ و ۴۸، تشدید مجازات در تعدد جرم و تکرار جرم اختیاری است. قانونگذار در ماده ۶۶۶ تشدید مجازات را در مورد تکرار جرم سرقت اجباری دانسته است. سخن این است که اگر قانونگذار تشدید مجازات در مورد تعدد جرم سرقت را نیز اجباری می‌دانست، لازم بود از واژه «تعدد جرم سرقت» در ماده ۶۶۶ در کنار «تکرار جرم سرقت» استفاده کند نه اینکه ضابطه‌ای را که خود در ماده ۴۸ وضع نموده است، زیر پا گذارد و واژه تکرار جرم را در غیر جای خود استفاده نماید. آری، اگر همیشه تشدید مجازات در تکرار جرم اجباری و در تشدید اختیاری بود، محملی برای سخن فوق وجود داشت.

اشکال دیگری که در اینجا در مورد عدول از ضابطه تکرار جرم مقرر ماده ۴۸ به ذهن می‌رسد این است که مطابق ماده ۴۸ در تکرار جرم لازم نیست که جرائم یکسان باشند. این ماده مقرر می‌دارد: «هر کس به موجب حکم دادگاه به مجازات تعزیری و یا بازدارنده محکوم شود، چنانچه بعد از اجرای حکم مجدداً مرتکب جرم قابل تعزیر گردد...». در حالی که مستفاد از ماده ۶۶۶ این است که برای اعمال این ماده باید چند جرم سرقت رخ دهد. این هم عدول دیگری از ضابطه ماده ۴۸ است. گرچه روشن است که قانونگذار در ماده ۶۶۶ تحت تأثیر قاعده تکرار جرم حدی بود که مطابق آن جرائم یکسانی باید رخ دهد، اما با توجه به ماده ۴۸ نمی‌توان ضابطه جرم حدی را در اینجا آورد. بالاخره باید یکسان‌سازی شود، به این معنا که یا همه جا در تکرار تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده، یکسان بودن جرم شرط شود و یا هیچ‌کجا این‌گونه نشود. البته اگر قانونگذار در ذیل ماده ۴۸ مقرر می‌داشت: «در تکرار جرم تعزیری در صورت یکسان بودن جرائم ارتكابی، تشدید مجازات (حداکثر مجازات قانونی) اجباری است» دیگر چنین مشکلی پیش نمی‌آید.

ط. جای نادرست مواد

یکی از ایرادهای فصل ۲۱ کتاب تعزیرات جای ناصحیح مواد است.

۱. شماره‌بندی و مکان برخی مواد صحیح نیست. مثلاً قانونگذار پس از بیان چند نوع سرقت تعزیری در مواد ۶۵۱ تا ۶۵۹، در ماده ۶۶۰ در مورد جرم استفاده غیرمجاز از آب و برق و تلفن و گاز قانونگذاری کرده و بر این عمل عنوان سرقت اطلاق نکرده، اما بلافاصله در ماده ۶۶۱، ۶۶۲ و ۶۶۶ و ۶۶۷ صحبت از سرقت کرده است. روال منطقی آن است که مواد مربوط به سرقت یکجا و به دنبال هم آورده شود.

۲. برخی جرائم که ارتباطی به سرقت ندارند در ذیل فصل ۲۱ که با عنوان سرقت و ربودن مال غیر است آمده است؛ از جمله ماده ۶۶۳ در مورد مداخله در اشیای توقیف شده و ماده ۶۶۴ در موضوع تهیه و یا ساخت هر نوع وسیله برای ارتکاب هر نوع جرمی اعم از سرقت و غیر آن.

روشن است که مداخله ممکن است در اموال مسروقه کشف شده و ضبط شده توسط دولت باشد، ولی الزاماً همیشه این‌گونه نیست. و نیز روشن است که ممکن است ساخت وسیله برای جرم سرقت باشد، اما همیشه این‌گونه نیست. به هر حال جا داشت این دو ماده در فصول دیگر آورده شود؛ مثلاً مداخله در اموال مسروقه ذیل تعدیبات علیه دولت آورده شود. همچنین ماده ۶۶۱ که در مورد استفاده غیر مجاز از آب و برق است، در وضعیت فعلی ارتباط وثیقی با عنوان سرقت و ربودن مال غیر که عنوان فصل ۲۱ است ندارد.

نتیجه‌گیری

قانون تعزیرات سال ۱۳۶۲ با قابل تعزیر دانستن سرقت تعزیری تا ۷۴ ضربه، مشکلی را در نظام حقوقی ایران ایجاد کرد و آن اینکه برای همه انواع و اقسام سرقت‌های تعزیری یک مجازات در نظر گرفته بود، در حالی که آثار و عواقب نامطلوب این سرقتها یکسان نیست. به همین جهت قانونگذار در سال ۱۳۷۵ مواد مختلفی را راجع به سرقت تعزیری مقرر نمود. متأسفانه عجله و کم دقتی و در مواردی بی‌دقتی قانونگذار باعث شده که کار خوب قانونگذار در پیش‌بینی مجازات‌های مختلف برای سرقت‌های تعزیری مختلف، تحت‌الشعاع اشکالات و ایرادات فراوان قرار بگیرد. امید است قانونگذار در اصلاح آتی قانون مجازات اسلامی به رفع این اشکالات بپردازد.

منابع

۱. اردبیلی، محمدعلی، حقوق جزای عمومی، تهران، نشر میزان، سوم، ۱۳۸۰، ج ۲.
۲. دهقان، حمید، بررسی قانون سرقت، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمی قم، اول، ۱۳۷۹.
۳. زراعت، عباس، شرح قانون مجازات اسلامی، بخش تعزیرات ۳، انتشارات ققنوس، ۱۳۸۲، ج اول.
۴. شکری، رضا، و سیروس، قادر، قانون مجازات اسلامی در نظم حقوقی کنونی، تهران، نشر مهاجر، اول، بهمن ۱۳۸۱.
۵. صبری، نورمحمد، جرم سرقت در حقوق کیفری ایران و اسلام، تهران، ققنوس، اول، ۱۳۷۸.
۶. میر محمدصادقی، حسین، جرائم علیه اموال و مالکیت، تهران، میزان، نهم، ۱۳۸۱.

